

از بن بست تنهایی تا معجزه همدلی

بیا بید کمی از دیوارهای خانه فاصله بگیریم و به کوچ و محله نگاه کنیم. قدیم ترها در روزهای سخت، هیچ کس خودش را تنها نمی دید و همه به نوعی هوای هم را داشتند؛ درست مثل همان روحیه ای که در دوران جنگ داشتیم. چطور می توانیم دوباره آن زنجیره همدلی و مواسات را در محله هایمان راه بیندازیم؟ نقش ما خانم ها در ایجاد این شبکه های حمایتی و محکم کردن پیوند با فامیل و همسایه ها چیست تا در این تلاطم های اقتصادی، هیچ کس زیر بار مشکلات احساس تنهایی نکند؟

قرآن کریم وقتی بحث خلقت انسان و زوجیت را مطرح می کند، بلافاصله بر اهمیت پیوند های خویشاوندی تأکید کرده و می فرماید: «...وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ...» (سوره نساء، آیه ۱)؛ و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید و از (گسستن) پیوند خویشاوندان پروا داشته باشید. آنچه امروز جامعه ما را در برابر تلاطم ها سرپا نگه می دارد، بازگشت به همین مدل های اصیل قرآنی است. ما این تجربه را در دوران دفاع مقدس با تمام وجود از سر گذرانیم. در آن روزهایی که تجهیزات کافی نداشتیم، همین پیوندهای انسانی و سپر شدن مردم برای یکدیگر بود که ما را پیروز کرد. من به عنوان یک مشهودی، هرگز خاطره دوشنبه ها و پنجشنبه های مساجد را فراموش نمی کنم؛ روزهایی که صدای عزای بلند می شد و گاهی هم زمان با تشییع صد پیکر مطهر روبه رو بودیم. همه ما با خانواده شهدا همراهی می کردیم و این همدلی، بخشی از هویت ما شده بود. امروز هم اگر چه در میدان جنگ نظامی نیستیم، اما در شرایط حساس اقتصادی و اجتماعی به سر می بریم که دست کمی از دوران جنگ ندارد. باید یک بار دیگر آن تجربه همراهی خانواده ها، اقوام و محله ها را زنده کنیم.

شانه هایی برای تکیه دادن؛ چطور قدردان تلاش های هم باشیم؟

گاهی در میانه مشکلات و فشارهای زندگی، آن قدر روی صبوری و فداکاری خودمان تمرکز می کنیم که شاید یادمان برود همسرمان هم پا به پای ما در حال تلاش و مبارزه با سختی هاست. چطور می توانیم یک نگاه منصفانه و متعادل به زحمات هر دو طرف داشته باشیم؟ در واقع، دیدن مجاهدت های همدیگر و قدر شناسی متقابل، چطور می تواند ریشه امید و اعتماد به رزق الهی را در دل خانواده محکم تر کند تا با هم و در کنار هم از این تلاطم های اقتصادی عبور کنیم؟

واقعیت جامعه نشان می دهد که مردان ما نیز با تمام توان در میدان زندگی و مسئولیت های خود ایستاده اند. نادیده گرفتن تلاش های مرد و تصویر کردن او به عنوان موجودی که تمام سختی ها را به دوش همسر انداخته، در درازمدت آثار مخربی بر روابط خانوادگی خواهد داشت. باید هر دو نقش را در کنار هم دید. اگر زنی قدرت صبر و پایداری دارد، بخشی از آن به دلیل داشتن یک تکیه گاه محکم به نام «مرد» است. امید به حضور مرد در خانه و نگاه قدر شناسانه او، حتی اگر در کلام جاری نشود، در رفتار و امنیت روانی خانواده انعکاس می یابد. این تعامل دوسویه است که خانه را به محیط آرامش تبدیل می کند. بنابراین، شکوه یک خانواده در گروی دیدن مجاهدت های هر دو طرف و تقویت روحیه همدلی میان آن هاست.

بازگشت به روزهای همدلی؛ چطور

سفره هایمان را با برکت بخشش بزرگ کنیم؟

گاهی وقت ها برای پیدا کردن راه درست، باید برگردیم و به پشت سرمان نگاه کنیم؛ به روزهایی که شاید سفره ها کوچک تر بود، اما دل ها آن قدر بزرگ بود که مردم حتی سهمیه ارزاقشان را با هم تقسیم می کردند. چطور می توانیم آن روحیه قشنگ، تقسیم کردن داشته ها، را دوباره به زندگی های امروزمان برگردانیم؟ اصلاً چطور می شود از دل همان خاطرات و کتاب های دوران جنگ، راهکارهای تازه ای برای ساده تر کردن زندگی و همدلی های واقعی پیدا کرد تا دوباره طعم شیرین برکت و حیات طیبه، را در خانه هایمان حس کنیم؟

در دوران جنگ، خانواده هایی که مصرف کمتری داشتند، با نگاهی مؤمنانه سهمیه ارزاق خود را به دیگران می بخشیدند. این همان معنای حقیقی انفاق است که قرآن بر آن تأکید دارد. امروز شاید شکل نیازها تغییر کرده باشد، اما روح کار همان است؛ اینکه بپذیریم هر چه داریم رزق الهی است و باید آن را با دیگران تقسیم کنیم. خوشبختانه نشانه های این بیداری دوباره دیده می شود؛ به طور نمونه عروسی ها به سمت سادگی می روند و مردم بیش از پیش ضرورت همدردی و با هم بودن را حس می کنند.

ما گنجینه ای عظیم از زمان ها، خاطرات و گزارش های دوران دفاع مقدس در اختیار داریم که سرشار از درس های همدلی است. باید برای این آثار وقت بگذاریم، بخش های کاربردی آن ها را انتخاب کنیم و به عنوان الگویی برای حل مسائل امروزمان به کار بگیریم. زنده کردن آن روحیه نورانی، کلید عبور از سختی های فعلی و رسیدن به همان جامعه ای است که قرآن نویدش را داده است.

از آرامش خانه تا همدلی در محله

وقتی از مدیریت بحران و ایستادگی در اوج سختی ها حرف می زنیم، ناخودآگاه ذهنمان سراغ الگوی بی نظیری مثل حضرت زینب (س) می رود. در دنیای امروز که گاهی با غم های ناگهانی یا سوگ های جمعی روبه رو می شویم، چطور می توانیم آن نگاه بلند و حیات طیبه، را در زندگی مان پیاده کنیم؟ اصلاً چطور می شود این نوری که در خانه مان روشن کرده ایم به بیرون از دیوارها ببریم و با کارهایی مثل صلوات یا همدلی با همسایه ها، به یک منبع آرامش برای اطرافیانمان تبدیل شویم؟

بسیار ارزشمند است که خانه های ما فراتر از یک چهاردیواری ساده، به «بیت» و کانون نورانیت تبدیل شوند. هدف این است که صفا، صمیمیت، قناعت و آن زندگی پاکیزه ای که قرآن از آن یاد می کند، در فضای خانه جاری شود؛ چنان که خداوند می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً» (سوره نحل، آیه ۹۷)؛ هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاکیزه زنده می داریم. اما این حرکت نباید در خانه بماند، بلکه گام بعدی، تسری این روحیه به سطح محله و میان اقوام است.

صلوات رحم در فرهنگ قرآنی، صرفاً یک معاشرت ساده یا بازدید تشریفاتی نیست، بلکه امری جدی برای آرامش دل ها و کاهش دردهای جامعه است. نگاه کنید به فداکاری آن معلم بزرگوار در میناب که در لحظات سخت جان دادن، دانش آموزانش را در آغوش گرفت تا آسیبی نبینند. او در حقیقت به ندای الهی لبیک گفت که می فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ» (سوره منافقون، آیه ۱۰)؛ و از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد. او آرامش و جان خود را نثار عزیزترین موجودات زمین کرد. بی تردید تماشای چنین ایثاری، سطح آرامش مادران آن کودکان را در میان آن حجم از غم، دگرگون می کند؛ چرا که این یک کنش قرآنی ناب است.